ادامه از صفحه ۷

موفقیت‌های یک جنبش

جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی» می‌گوشد گفتار مربوط به حقوق فلسطینیان را تغییر دهد تا شامل حقوق «همه» فلسطینی‌ها شود. این جنبش فراخوانی است به پایان نظام چندلایه سرکوب، اشغال همه‌جانبه، استعمار و آپارتاید که این آخری شامل تبعیض قانونی نظام‌مند علیه فلسطینی‌های ساکن اسرائیل و ۳ گوشال مخالفت به حال بازگشت فلسطینیان مهاجر به سرزمین‌شان می‌شود.

تدقیق حقوق فلسطینیان - و دخیل کردن شهروندان فلسطینی اسرائیل و مهمتر از آن مهاجران فلسطینی در متن بحث- نمی‌توانست بدون رهبری قدرتمند فلسطینیان به دست آید. کمیته ملی «کارزار تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی» که در آوریل ۲۰۰۸ تأسیس شد، نکته‌گاه اصلی و مرجع جنبش جهانی تحریم همچنین بود. کمیته ملی، گسترده‌ترین ائتلاف جامعه مدنی فلسطین- نه‌تنها دربردارنده فلسطینیان ساکن کرانه باختری و غزه بلکه مشکل از بزرگ‌ترین ائتلاف‌ها، شبکه‌ها و اتحادیه‌های شهروندان فلسطینی مهاجر و ساکن اسرائیل است. کمیته ملی پیوسته صدای واحد و رسای فلسطینیان است، و همچنان جنبش «تحریم همه‌جانبه» را پیش می‌برد و هدایت می‌کند، و در عین حال حساسیت‌های ناشی از شرایط خاص هر محل را کاملا در نظر می‌گیرد، یعنی این اصل را که فراخوان کارزار تحریم باید در هر اجتماعی بسته به شرایط خاص محلی آن و تصمیم فعالان محلی به اجرا گذاشته شود.

در بیش از شش‌سال گذشته، کارزار تحریم موفق‌ترین ابزار همبستگی میان فلسطینیان بوده و شیوه‌های موفق برای زیرسؤال‌بردن مصونیت اسرائیل، مشروعیت کارزار تحریم، حتی در مقایسه با کارزار تحریم در آفریقای جنوبی، فراتر از حد انتظار چنین جنبش جوانی بوده است. به‌خصوص، کارزار تحریم پس از کنسرتا ۲۰۰۹-۲۰۰۸ در غزه و حمله به ناوگان آزادی به سرعت گسترش یافت. جنبش اکنون از چارچوب یک جنبش همبستگی سنتی به مراتب فراتر رفته و شامل مشارکت‌کنندگان فعال و متعهدی است از اتحادیه‌های کارگری، گروه‌های مذهبی، تشکل‌های غیردولتی مهم و احزاب سیاسی. نگاهی گوته به برخی از بزرگ‌ترین و موفق‌ترین کارزارها نشانگر رشد و گسترش کارزار تحریم همه‌جانبه (BDS) است.

یکی از موفق‌ترین کارهای جنبش تحریم مجاری ولوایا (Veolia) است. یک شرکت چندملیتی فرانسوی که پروژه گسترش خط ترامواي اورشلیم را به عهده گرفت. ترامواي غیرقانونی که اورشلیم را به شهرک‌های اسرائیلی وصل و سلطه اسرائیل بر مناطق اشغالی را تحکیم می‌کند. به علاوه ارایه گسترده‌ای از خدمات زیرساخت‌های حمل‌ونقل و بسط شهرک‌های اسرائیلی در سرتاسر جهان و به‌خصوص اروپا این شرکت هدف تحریم قرار گرفت. در استکهلم کارزار جامعه مدنی موجب شد ولوایا ضرر زیادی بابت قرارداد ۸/۵میلیارد یورویی عملیات سیستم مترو شهری بپردازد. کارزار قاطع و هماهنگ بین‌المللی بر ضد ولوایا منجر به ازدست‌رفتن در مجموع بیش از پنج‌میلیاردیورو خسارت ناشی از قراردادهای آن در فرانسه، انگلستان، ویلز، ایرلند و استرالیا شد. در اواخر سال ۲۰۱۰ ولوایا و آلستوم، یک شرکت چندملیتی فرانسوی دیگر که در پروژه خط ترامواي اورشلیم دخیل بود، اعلام کرد که سهام‌اش را در کنسرسیوم اجرایی می‌فروشد. همین که دو شرکت ولوایا و آلستوم کنار کشیدند و به‌جای شرکت‌های مشهور بین‌المللی قبلی را، شرکت‌های کوچک‌تر و اسرائیلی مسئولیت گرفتند چیزی نیست جز نشان موفقیت جنبش. تحریم هیچ شرکت بین‌المللی‌ای که جنبش به این کمک کند که اسرائیل بتواند مشروع و عملی و مرئی ما فرار بگیرد. جنبش تحریم به شرکت‌های خاص اکتفا نمی‌کند. کارزارهای علیه ولوایا و آلستوم تا زمانی که آنها همکاری خود را متوقف نکنند ادامه و خسارات مقتضی را به همراه خواهد داشت.

اتحادهای کارگری به‌لحاظ تاریخی همواره در حفظ مقدم بیکار بر ضد بی‌عدالتی بوده‌اند، به‌خصوص در دوران آپارتاید آفریقای جنوبی. اتحادهای کارگری در آفریقای جنوبی، فرانسه، بلژیک، ایرلند، سوئد، ایتالیا، استرالیا، کانادا، نروژ، و مالزی کشورها اعضای اتحاد بین‌المللی کارگران تحریم را پذیرفته‌اند. کنگره اتحادهای کارگری بریتانیا که نماینده صدها میلیون اعضای کارگر است در حال شروع فعالیت‌هایی است تا به کل اعضای خود ضرورت تحریم تجهیزاتی اسرائیل را آموزش دهد. کنگره‌های اتحادیه کارگری آفریقای جنوبی، ایرلند، اسکاتلند، برزیل و بسیاری اتحادیه‌های منفرد دیگر در جهان در فرایند برقراری پیوندهایی با فدراسیون کارگری هیستادروت (اتحادیه کارگری نژادپرست اسرائیل) هستند. تنها چند روز پس از حمله اسرائیل به ناوگان آزادی در مـی ۲۰۱۰، اتحادیه کارگران کشتی‌رانی سوئد، عضلنظر به فراخوان اتحادیه کارگری فلسطین برای توقیف کشتی‌های اسرائیلی، یک محموله ۵۰۰تنی را که از اسرائیل می‌آمد توقیف کرد. CUT بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اتحادیه کارگری برزیل که نماینده بیش از ۲۰میلیون کارگر است، از کارگر تحریم به عنوان مبنای همبستگی خود حمایت کرد و مشغول راه‌اندازی طرحی است تا کارزار تحریم را در میان اعضای خود اشاعه دهد. تحریم‌های کارگری در چارچوب کارزار تحریم اهمیت تبدیل به فرم اصلی همبستگی مردم فلسطین در شبکه اتحادیه‌های کارگری بین‌المللی شده است.

تحریم آکادمیک که مسلما جالش‌برانگیزترین شکل تحریم است، بحثی گسترده راه‌اداخته درباره همدستی قوی نهادهای آکادمیک اسرائیل در چارچوب‌زدن به نژادپرستی اسرائیل و «اکسام» (رویاهای با یک دولت) از جمله جنایات جنگی در غزه. اورشلیم و جاهای دیگر. کنگره اتحادیه دانشگاه‌ها و کالج‌های بریتانیا در می ۲۰۱۰ رأی تاریخ‌سازی به تحریم به‌دنبال کارزار سامارا داد. یک کالج استعماری در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و همچنین به طلعه کلیه روابط با همتایان اسرائیلی رأی داد. بدنه فعال و دانشجویی است از اتحادیه‌های کارگری، گروه‌های مذهبی، تشکل‌های غیردولتی مهم و احزاب سیاسی. نگاهی گوته به برخی از بزرگ‌ترین و موفق‌ترین کارزارها نشانگر رشد و گسترش کارزار تحریم همه‌جانبه (BDS) است.

لیزا تراکی: اسراییل، بر خلاف بسیاری از دولت‌های سنمگر دیگر، از پشتیبانی تام‌وتمام قدرت‌های هژمونیک برخوردار است. از این‌رو، در نبود هرگونه تکانه دیگری برای تغییر، بر نیروهای عدالتخواه لازم است تا به ندای فلسطینی‌ها گوش فرادهند

مارک لوین: جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل» چیست و چه نسبتی با جنبش تحریم فرهنگی و آکادمیک اسرائیل دارد؟ اهداف و روش‌های این دوجنبش طی سالیان گذشته، چگونه رشد کرده و تحول یافته‌اند؟

لیزا تراکی: جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل» (BDS) را می‌توان به منزله مبارزه‌ای علیه استعمار، انفکاری و آپارتاید اسرائیلی ارزیابی کرد. این جنبش دروالع یک راهبرد خودمحور است که تا زمانی که اسرائیل حق سلب‌شدنی مردم فلسطین در تعیین سرنوشت خود را به رسمیت نشناسد و از الزامات حقوق بین‌الملل پیروی نکند، همچنان ادامه خواهد داشت. در همین چارچوب، تحریم فرهنگی و آکادمیک اسرائیل نیز توانسته است از زمان آغاز به کار «کارزار فلسطینی تحریم آکادمیک و فرهنگی اسرائیل» (PACBI) در سال ۲۰۰۴، قدرت و نفوذ قابل‌ملاحظه‌ای به دست آورد. اهداف این فراخوان درست همانند دیگر فراخوان جامعه مدنی فلسطین برای تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل که در سال ۲۰۰۵ صادر شد تا به امروز ثابت و یکدست باقی مانده است. پایان‌دادن به استعمار سرزمین‌های فلسطینی اشغال‌شده در ۱۹۶۷؛ تضمین برابری تام شهروندان فلسطینی در اسرائیل و خاتمه‌دادن به نظام تبعیض نژادی و احقاق حقوق پناهندگان فلسطینی برای بازگشت به خانه و مایملک خود، چنان که در قطعنامه۱۹۴ مجمع‌عمومی سازمان‌ملل متحد به صراحت قید شده است.

منطق جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل» نیز متداوم بوده است. منطق اصلی این جنبش همانا منطق فشار است و نه دیپلماسی. توجه به قدرت و بدلیل حمایت و مصونیتی که از سوی قدرت‌های هژمونیک جهانی و اقمار آنان نصیب اسرائیل می‌شود، بی‌ثمر بوده است. در مرتبه دوم، اقناع نیز منطقی ورشکسته نشان داده است چراکه به نظر نمی‌رسد «آموزش» به اسرائیلی‌ها در باب دهشت‌های ناشی از انفکاری و اشکال دیگر ظلم و ستم، با هر ابعادی که داشته است، تغییری اساسی در وضعیت به وجود آورده باشد. منطق برقراری گفت‌وگو مابین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها نیز که کماکان در میان لیبرال‌های اسرائیلی و نهادها و دولت‌های غربی حامی مالی آنان از محبوبیت بالایی برخوردار است، به شکستی مصیبت‌بار انجامیده است. گفت‌وگو الغب در چارچوب «طرفین ماجرا» تنظیم می‌شود، به این معنا که هریک از طرفین باید ضمن درک و فهم درد، رنج و تشویش دیگری، روایت او را نیز قبول و باور داشته باشد. بنابراین گفت‌وگو و مقتضیات آن، طرفین ماجرا را به‌گونه‌ای معرفی می‌کند که گویی هردو به یک اندازه مقصرند و آگاهانه از اذعان به وجود رابطه بنیادی استعمارگر-استعمارزده سر باز می‌زنند. گفت‌وگو موجد هیچ‌گونه تغییری نیست، بلکه بیشتر موجب استحکام وضع موجود شده و در حقیقت از اکنون که به اسرائیل‌ها اجازه می‌دهد که در عین بی‌عملی، در حال برداشتن قدم‌هایی جهت رفع منازعه هستند، عمدتا هم‌راستای منافع طرف اسرائیلی است. به این ترتیب، منطق تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل منطق فشار است و این فشار نیز روزبه‌روز شدت بیشتری یافته است. تحریم آکادمیک و فرهنگی اسرائیل نیز که به رهبری فلسطینی‌ها به راه افتاده است، تحریمی سازمانی است. به عبارت دیگر، محققان یا هنرمندان منفرد، آمار این تحریم‌ها فرار نمی‌گیرند؛ رویه‌ای که از بدو پیدایش جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی» پا فرجا بوده است. با این حال، باید همین‌جا اعلام کنم تمامی دانشگاه‌های اسرائیل و تقریبا تمام گستره نهادهای فرهنگی اسرائیلی در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولتی همدست بوده و از این رهگذر، اهدافی مشروع برای اعمال تحریم‌ها هستند. البته که از زمان برپایی این جنبش تاکنون و با کسب تجربیات بیشتر در این زمینه، دستورالعمل‌ها و معیارهایی مبسوط و مفصل برای تحریم تدوین شده تا بلمکوگوی درخواست راهنمایی از سوی آن گروه از دانشگاه‌ها و کارگزاران فرهنگی باشد که مایل به برنامه‌های خود در حال اسرائیل پشتیبانی از تحریم نظامی آن کشور، تبلیغ و ترویج کارزارهای گوناگون عدم سرمایه‌گذاری و سیاری از فعالیت‌های دیگری را دربرمی‌گیرد که نهادهای اسرائیلی همدست و دولت را نشانه گرفته‌اند. تعدادی از گروه‌های اسرائیلی دیگر، همچون اتلاف زنان برای صلح و «کمیته اسرائیلی مقابله با تخریب خانه‌ها» نیز علنا حمایت خود را از فراخوان فلسطینی‌ها اعلام کرده‌اند.

مارک لوین: در حوزه ادبیات «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل» هم‌اوزن بد لغد از جاب افرادی همچون خود من مطرح است که هر آن کس که خواستار پیوستن به این جنبش برای کمک به فلسطینی‌هاست باید در قبال تمامی آن گسوهایی نیز که گوشال انفکاری یا ظلم و ستم گسترده سیستماتیک هستند، رویکردی مشابه اتخاذ کنند. استدلال این منتقدان چنان است که لزوم تفکر نظام‌مند هنوز یک صورت اخلاقی است، بلکه همچنین الزامی راهبردی است. از ملاقات اخیرت‌ان در اوهاله، پاسخ شما این بود که این راهبرد بسیار آرمانگرایانه است؛ چراکه فلسطینی‌ها به اندازه کافی برای مشارکت‌دادن مردم در جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی» (EPACBI) اشاره داشت که یک نهاد هماهنگ‌کننده تازه‌تأسیس و پرنفوذ در اروپاست حمله مرگبار اسرائیل به نوار غزه در زمستان ۲۰۰۹-۲۰۰۸ و قتل فعالان همبستگی ترک بر عرشه کشتی ماوی مرمره در ماه می ۲۰۱۰، همچون عاملی شتاب‌دهنده به روند گسترش هرچه بیشتر فعالیت‌های کنش‌هایی اعم از لغو اجرای برنامه‌های هنری در اسرائیل، اعتراض علیه اجراهای صورت‌گرفته از سوی نهادهای اسرائیلی همدست دولت در خارج از کشور (از قبیل اعتراضات پیشین و کنونی پیرامون اجرای برنامه از سوی رکسترم فیلارمونیک اسرائیل) و بسیاری اشکال خلاقانه و بدیع‌تر دیگر از فراخوانی و تحریم علیه آن قسم پروژه‌ها و نهادهای اسرائیلی که در راستای کمپین تبلیغاتی «برند اسرائیل» ایفای نقش می‌کنند.

مارک لوین: اسرائیل اخیرا قانونی موسوم به «قانون ضدتحریم» را به تصویب رسانده که آن‌دست شهروندان اسرائیلی را که از هرگونه تحریمی حمایت کنند حتی اگر این تحریم محدود به محصولات تولیدشده در مناطق شهرک‌نشین باشد، در معرض دعوی حقوقی و جرایم چشمگیر نقدی قرار می‌دهد تا بلکه به‌ناچار از این سنخ فعالیت‌ها دست بردارند. نظر شما درباره کلیت این گفتمان چیست؟ بالاخص این تفسیر رایج از سوی برخی مطبوعات منتقد اسرائیلی که ادعا می‌کنند این قانون به زیان دموکراسی بوده و نشان از حرکت به سمت فاشیسم دارد؟

لیزا تراکی: جنبش فلسطینی «تحریم سیاسی، اقتصادی اخلاقی اسرائیل»، بیشتر به آن است که منطق متعلق به آن و مخصوصا تحریم از سوی بخشی از نیروهای چپ اسرائیلی اتخاذ شده و طبعا حق را به جلب این استدلال خود می‌داند که فشار و نه اقناع، بهترین شیوه برای فهماندن ضرورت پایان‌دهی به نظام انفکاری، استعمارگری و آپارتاید به اسرائیلی‌هاست. با وجود این، باید به دست‌کم دوجنبه نگران‌کننده از موج جدید فعالیت‌ها پیرامون قانون ضدتحریم که به‌تازگی در کنست- پارلمان اسرائیل- مصوب شده است، اشاره کنم. اول آنکه تحریم مورد حمایت لیبرال‌ها و چپگرایان اسرائیلی در واقع تنها آن‌دسته از نهادها و محصولاتی را هدف قرار می‌دهند که همچون مرکز دانشگاهی سامریه و مرکز فرهنگی آریل، از مستعمره‌نشین‌های اسرائیلی در کرانه‌باختری برمی‌خیزند. آنان به این‌ترتیب در قبال همدستی تمامی نهادهای عمده اسرائیلی- و در واقع سیاری از صنایع، از جمله صنعت اسلحه‌سازی- در نقدادشت و مشروعیت‌بخشی به ساختارهای ستم و سرکوب سکوت پیشه می‌کنند. دوم آنکه این سنخ از تحریم‌ها همعوا لاتحت‌لوای «نجات دموکراسی اسرائیلی» قابل‌بندی می‌شوند. در نتیجه، مجموعه این تحریم‌ها گفتمان و پروژه‌ای اسرائیل‌مدار است که ملاک آن نه حقوق مصرح فلسطینی‌ها در قوانین بین‌الملل و نه اقرار به این واقعیت است که تحریم‌ها پاسخی به فراخوان فلسطینی‌ها بوده است. یک مورد استثنای برجسته در این میان گروه اسرائیلی «تحریم از درون» است که آشکارا با تایید فراخوان فلسطینی‌ها، «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل» را معیار اصلی دستورکار خود می‌داند؛ دستورکاری که رنجبرهای از فعالیت‌ها مانند درخواست از هنرمندان و موزیسین‌ها برای عدم اجرای برنامه‌های خود در خاک اسرائیل، پشتیبانی از تحریم نظامی آن کشور، تبلیغ و ترویج کارزارهای گوناگون عدم سرمایه‌گذاری و سیاری از فعالیت‌های دیگری را دربرمی‌گیرد که نهادهای اسرائیلی همدست دولت را نشانه گرفته‌اند. تعدادی از گروه‌های اسرائیلی دیگر، همچون اتلاف زنان برای صلح و «کمیته اسرائیلی مقابله با تخریب خانه‌ها» نیز علنا حمایت خود را از فراخوان فلسطینی‌ها اعلام کرده‌اند.

مارک لوین: در حوزه ادبیات «تحریم سیاسی، اقتصادی اخلاقی اسرائیل»، همواره این نقد از جاب افرادی همچون خود من مطرح است که هر آن کس که خواستار پیوستن به این جنبش برای کمک به فلسطینی‌هاست باید در قبال تمامی آن گسوهایی نیز که گوشال انفکاری یا ظلم و ستم گسترده سیستماتیک هستند، رویکردی مشابه اتخاذ کنند. استدلال این منتقدان چنان است که لزوم تفکر نظام‌مند هنوز یک صورت اخلاقی است، بلکه همچنین الزامی راهبردی است. از ملاقات اخیرت‌ان در اوهاله، پاسخ شما این بود که این راهبرد بسیار آرمانگرایانه است؛ چراکه فلسطینی‌ها به اندازه کافی برای مشارکت‌دادن مردم در جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل» اشاره داشت که یک نهاد هماهنگ‌کننده تازه‌تأسیس و پرنفوذ در اروپاست حمله مرگبار اسرائیل به نوار غزه در زمستان ۲۰۰۹-۲۰۰۸ و قتل فعالان همبستگی ترک بر عرشه کشتی ماوی مرمره در ماه می ۲۰۱۰، همچون عاملی شتاب‌دهنده به روند گسترش هرچه بیشتر فعالیت‌های کنش‌هایی اعم از لغو اجرای برنامه‌های هنری در اسرائیل، اعتراض علیه اجراهای صورت‌گرفته از سوی نهادهای اسرائیلی همدست دولت در خارج از کشور (از قبیل اعتراضات پیشین و کنونی پیرامون اجرای برنامه از سوی رکسترم فیلارمونیک اسرائیل) و بسیاری اشکال خلاقانه و بدیع‌تر دیگر از فراخوان فلسطینی‌ها، «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل» را معیار اصلی دستورکار خود می‌داند؛ دستورکاری که رنجبرهای از فعالیت‌ها مانند درخواست از هنرمندان و موزیسین‌ها برای عدم اجرای برنامه‌های خود در خاک اسرائیل، پشتیبانی از تحریم نظامی آن کشور، تبلیغ و ترویج کارزارهای گوناگون عدم سرمایه‌گذاری و سیاری از فعالیت‌های دیگری را دربرمی‌گیرد که نهادهای اسرائیلی همدست دولت را نشانه گرفته‌اند. تعدادی از گروه‌های اسرائیلی دیگر، همچون اتلاف زنان برای صلح و «کمیته اسرائیلی مقابله با تخریب خانه‌ها» نیز علنا حمایت خود را از فراخوان فلسطینی‌ها اعلام کرده‌اند.

مارک لوین: در حوزه ادبیات «تحریم سیاسی، اقتصادی اخلاقی اسرائیل»، همواره این نقد از جاب افرادی همچون خود من مطرح است که هر آن کس که خواستار پیوستن به این جنبش برای کمک به فلسطینی‌هاست باید در قبال تمامی آن گسوهایی نیز که گوشال انفکاری یا ظلم و ستم گسترده سیستماتیک هستند، رویکردی مشابه اتخاذ کنند. استدلال این منتقدان چنان است که لزوم تفکر نظام‌مند هنوز یک صورت اخلاقی است، بلکه همچنین الزامی راهبردی است. از ملاقات اخیرت‌ان در اوهاله، پاسخ شما این بود که این راهبرد بسیار آرمانگرایانه است؛ چراکه فلسطینی‌ها به اندازه کافی برای مشارکت‌دادن مردم در جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی،

ادامه از صفحه ۷

تحریم جواب می‌دهد

هدف اساسی، فارغ از شکل گیری دو دولت مجزا، عقب‌نشینی اسرائیل از اراضی اشغال‌شده در ۱۹۶۷ است. اما این موضع را نباید به برآوردهشدن انتظارات امنیتی اسرائیل در خصوص به رسمیت شناخته‌شدن اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی و خلع سلاح دولت فلسطینی در نواحی اشغالی بر سر این موضوع ابهام شده است که پس از عقب‌نشینی اسرائیل از نواحی اشغالی، ارتش همچنان فلسطین را از شهرک‌های یهودی‌نشین، بیت‌المقدس شرقی، مرز اردن و آن سوی دیوارها و حصارها حول کرانه غربی و نوار غزه زیر نظر خواهد داشت.

چه گروه چهارم، یا حتی دولت فعلی ایسالات متحده بخواهد به عقب‌نشینی تمام‌عیار اسرائیل و تشکیل یک دولت فلسطینی مقتدر رضایت دهد، چه نخواهد، اجرای دو جامعه بین‌الملل به‌طور جدی مطالبه اسرائیل در خصوص نخست، برآوردهشدن دغدغه‌های امنیتی‌اش را به چالش نکشیده است. فرایند صلح تنها مستلزم ایجاد تغییر در دستور کار فلسطینیان است، در صورتی که دولت اسرائیل نیاز به در دستور کار قرار دادن هیچ تغییری در انتظارات و مطالباتش ندارد. به بیان دیگر، پیام مخابره‌شده از خارج به اسرائیل این است که دستیابی به صلح مستلزم ایجاد هیچ‌گونه دگرگونی‌ای در داخل نیست. در واقع، اسرائیل حتی جا برای تغییر نیز دارد. دولت اسرائیل، نگران از واکنش مهاجران یهودی تندرو، تمایلی به اخراج آنان از مکان‌های دورافتاده واقع در اراضی اشغالی ندارد.

اینکه حتی رهبران ضعیف و کم‌رمق فلسطینی نیز این منطق را برنتابیده‌اند، به اسرائیلی‌ها اجازه داده تا مدعی شوند که فلسطینیان غیرمنطقی و کلمه‌گش‌اند و بنابراین اسرائیل محق است تا با بیگری سیاست‌های یک‌جانبه امنیت ملی خود را تضمین کند.

از این‌رو، با آسودگی می‌توان نتیجه گرفت که فرایند صلح استعمارگر و انفکارگر را از ایجاد تغییر در ذهنیت و ایدئولوژی‌اش بازداشته است. مادامی که جامعه جهانی منتظر است سرکوبندگان مواضع خود را تغییر دهند، این ظالم‌ترین انفکاری خواهد بود که جهان از جنگ جهانی دوم تاکنون به خود دیده است.

در اکثر موارد، این انفکارگران نبودند که بنا بر تبدیل‌شدن انفکار را پایان دادند، بلکه در طی مبارزای طولانی و خونین به بیرون رانده شدند. در جدال میان فلسطین و اسرائیل این مبارزات با موفقیتی اندک همراه بوده‌اند. در موارد نادری، این فشار خارجی بود که توانست در بیرون راندن انفکارگران و استعمارگران توفیقی به‌دست آورد. این استراتژی دوم جذاب‌تر است. به هر حال، یارادایم اسرائیلی اصلح؛ هرگز دستخوش تغییر نخواهد شد مگر اینکه از خارج تحت فشار قرار گیرد.

حتی پیش از اینکه کسی بخواهد تعریفی مشخص‌تر از این فشار بیرونی به دست دهد، نکته اساسی خلط‌نکردن ابزار (یعنی فشار) با هدف (یافتن فرمولی برای همزیستی) است. به بیان دیگر، تاکید بر این نکته ضروری است که منظور از فشار از سرگرفته‌شدن مذاکراتی معنادار است.

چه نوع فشاری ضروری است؟ اقرباق جنوبی بهترین و موثرترین مثال تاریخی برای پی‌گرفتن این بحث است. در عین حال، بسیاری از فعالان و ان‌جی‌های مناطق اشغالی کوشیده‌اند تا هم برای مقاومت در برابر اشغال و هم فرار رفتن از برخی اشکال مقاومت همچون بمب‌گذاری‌های انتحاری و شلیک موشک‌های قسام از غزه به ابزاری غیرخشن دست یابند.

دو انگیزه مورد اشاره در بالا موجب شکل‌گیری کارزار BDS علیه اسرائیل شده‌اند. این کارزار نه توسط گروهی سری بلکه از سوی جامعه مدنی تحت‌اشغال به راه افتاده و مورد تایید دیگر گروه‌های فلسطینی نیز هست. فعالیت‌های این کارزار در قالب کنش‌های فردی و همچنین تحریم در سراسر جهان بروز یافته‌اند. این کنش‌ها اهداف و اشکال مختلفی را دنبال می‌کنند. از تحریم محصولات اسرائیلی گرفته تا قطع فراگیرتر معاملاتی که دانشگاه‌های اسرائیلی اما جحالی اعتراضی علیه به قساوت ارتش اسرائیل در فلسطین.

حمایت از BDS برای فعال صلح اسرائیلی عملی‌تر و اخلاقی‌تر است. می‌شود. شما با این کار بلافاصله خود را از گفتار رایج در اسرائیل جدا می‌کنید. فلسطینیان جهانی سنگین‌تری برای این مبارزه می‌پردازند، و آنهایی از ما که قدم در این راه می‌گذارند نباید نگران باشند که کسی تشویق یا تایبدشان کند. شما خود از موجاهد مستقیم به دولت، جامعه دوستان و حتی اعضای خانواده‌تان فرار می‌دهید. به همین دلیل برای رسیدن به اهداف و نیات، بهتر از خطوط قرمز عبور کرد.

اما واقعا هیچ گزینه دیگری وجود ندارد. هر فرمان دیگری - خواه از سر بی‌تفاوتی و انتقادی نام بلند خواه در راستای تایید سیاست اسرائیل - تصمیمی است آگاهانه برای شراکت با دولت در جنایت علیه بشریت. بستهبودن ذهنیت صهیونیستی در اسرائیل، تسلط پیوسته مهاجران یهودی بر جامعه اسرائیلی، نژادپرستی ذاتی موجود در جمع یهودیان، استبدادی‌بودن از فلسطینیان و منافع آنکار ارتش و صنایع در حفظ منافع اشغالی همه به این معنا هستند که از قرار معلوم تا زمانی نامعلوم این اشغال ادامه خواهد داشت. بنابراین، وظیفه یهودیان اسرائیلی از هر کس دیگری که به بیشبرد صلح میان فلسطین و اسرائیل بای می‌رساند سنگین‌تر است.

از مذاکرات صلح آسوا در پس‌های گرانبهای بسیاری می‌توان آموخت. در این مذاکرات اسرائیلی‌ها با مستمسک قرار دادن اکثرا جنگ در صدد حفظ منافع و منصب اشغال بودند (که البته تاکتیک‌های جنگ‌افروزانه کرانه‌باختری اسرائیل و آمریکا در فریب رهبران فلسطینی را نیز نباید از نظر دور داشت). بدین قرار، فشار مورد و متمرکز بر اسرائیل می‌باید از سوی کل جهان اعمال شود. چنین اعمال فشاری باید بر این در ارتباط با اوقاتی‌های جنوبی مطلق عمل کرده است. فشار می‌تواند از به وجاهت بیوستن برخی از بدترین سناریوها جلوگیری کند. بعد از کنسترا غزه در زانویه ۲۰۰۹، پیش‌بینی اینکه اوضاع بدتر می‌شود کمی سخت به نظر می‌رسید. اما با وجود اتهام شهرک‌سازی، هدایت پنایی به غزه و منبع نیز موجود در اسرائیل که از جنگ جهانی دوم تاکنون به خود دیده است، هیچ ممکن است.

مشکل اینجاست که دول اروپایی و حامیه دولت آمریکا احتمالا هیچ حمایتی از BDS نخواهند کرد. اما حتمه به خاطر می‌آورید که این دولت‌ها و قدرت‌ها نبودند که آفریقای جنوبی را تحریم کرده و علیه آن اجتماعی تمام‌عیار ترتیب دادند، بلکه این جوامع مدنی بودند که با فشار خود از بیرون موجب تغییر شدند.

نمی‌خواهم بیش از حد بر نقش حمایت فعالان اسرائیلی چون خودم تاکید کنم. اما برقراری ارتباط با یهودیان منتقد و بیشتر در اسرائیل برای این کمپین بسیار حیاتی است. آنان بلی هستند به جمع گسترده‌تری در مبارزه در اسرائیل که سرانجام می‌بایست به این اعتراض بپیوندند. اگر اسرائیل در آنروز قرار گیرد، مجبور می‌شود سیاست‌های خود را تغییر دهد و از جنایات جنگی خود جلوگیری کند. اسرائیل در آنروز می‌تواند موجب تقویت موضع فداکرای شویم که در بیرون قرار دارند. همان‌هایی که با کمک‌هایشان ما نیز قوت قلب می‌گیریم. به هر ترتیب، وظیفه مقدس ما باید دادن به این انفعال سرکوب‌کننده است.

* ایلان پاپه، نویسنده اسرائیلی و استاد نارچ در دانشگاه اکستر است. در میان کتاب‌های او می‌توان به «پاکسازی قومی فلسطین» و «غزه در بحران» (به همراه نوام چامسکی) و «آخرین کتابش «اید اسرائیل» اشاره کرد.

چرا باید اسراییل را تحریم کرد؟

ترجمه: نوید نزهت

عکس: عماد تامر/فارس

هیچ‌گونه بازخواست یا سرزنش بین‌المللی، به ستم و سرکوب شهروندان خود ادامه می‌دهند. با این‌همه، آنچه در اینجا جنرالهیست است، ذکر این نکته است که هنگامی که مردمی سنمدیده عزم آن می‌کنند تا از جامعه جهانی برای دستیابی به آزادی و حق تعیین سرنوشت از طریق تحریم‌ها و سایر مکانیسم‌های فشار تقاضای کمک داشته باشند، یعنی درست همان روبه‌ای که اکثریت قریب‌به‌اتفاق جامعه مدنی فلسطین در پیش گرفته است، احترام بی‌درنگ و بلافصل به این درخواست معمولا بایسخ تمامی مردمانی است که وجدانی بیدار دارند. وضعیت در آفریقای‌جنوبی نیز چنین بود. تردید به همین منوال بود. من گمان نمی‌کنم کسی جسارت آن را داشته باشد که ادعا کند وجود یک جنبش ضدامریکایی‌بودن نیز وجود دارد. از این قسم فعالیت‌های پرنده برداشت که به کمپین «برند اسرائیل» یاری می‌رساند. او فاش کرد که هر هنرمند یا کارگزار فرهنگی اسرائیلی که به‌منظور عرضه و نمایش آثار خود در خارج از آن کشور، حمایت مالی وزارت امور خارجه را می‌پذیرد، ملزم به امضای قراردادی است که مطابق آن «متعهد می‌شود تا با رفتاری صادقانه، مسوولانه و حسّتی‌نایذیر، عالی‌ترین سطح از خدمات حرفه‌ای را برای وزارتخانه فراهم آورد. دمنخگزار به این نکته آگاه است که هدف از تمامی خدمات مطالبه‌شده، ترویج منافع سیاسی اسرائیل از رهگذر فرهنگ و هنر و از جمله مشارکت در خلق تصویری مثبت از آن کشور است. به این‌ترتیب معلوم می‌شود در پرتو انعکاس رسانه‌ای نامطلوب اسرائیل طی سالیان گذشته، دولت آن کشور لازم دیده است تا از آگاهی تمامی هنرمندان پذیرش کمک‌های مالی دولتی برای فرارفتن خارجی آنان است. اطمینان حاصل کند آنان با تمامی ویژگی‌های منحصربفرد و حتی هنجارشکنانه خود، باید از قرار مصفیان «سفیران فرهنگی» اسرائیل باشند. این تا حد زیادی به آن معناست که آنان باید در نقش توجیه‌کننده سیاست‌ها و اقدامات سنمدگرانه اسرائیل ظاهر شوند.

مارک لوین: آیا تجربیات به دست‌آمده از آنچه موسوم به بهارعربی بود با سایر جنبش‌های تودهای علیه ظلم و ستم در یک‌دوسال گذشته می‌تواند جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی اخلاقی» و به‌طور کلی، مقاومت فلسطینی‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده و بعضا به آن یاری رساند؟ به بیان دیگر، آیا رخدادهای سال‌های گذشته امیدوارکننده بوده یا وضعیت فلسطین که در آن‌واحد هم یک وضعیت استعماری و هم تظلم داخلی برای دستیابی به دموکراسی در خروج جامعه فلسطینی و اسرائیلی است، به آن میزان متفاوت است که دیگر بسیج‌های تودهای در واقع نمی‌توانند منشأ کمکی فراتر از الهام‌بخشی به فلسطینی‌ها باشند؟

لیزا تراکی: بدون شک، آن روحیه انقلابی که جهان عرب را به جوش‌وخروش واداشته است، به مسأله فلسطین فوریتی بیش از پیش خواهد بخشید. این امر چه در کشورهایی که فرآیند تحول انقلابی را آغاز کرده و چه در آن‌دست از همتایانشان که تازه شاهد بدیدارشدن مبارزات آزادی‌طلبانه و دموکراسی‌خواهانه هستند، صادق است. در صورت برگزاری انتخابات پارلمانی آزاد و دمنکراتی‌شده در مصر، تونس یا سایر کشورهای عربی، پارلمان‌های جدید این کشورها موظفند تا از آن پس و برخلاف وضعیت حاکمه کنونی، سه دیدگاه‌های مردم خود حساس بوده و احترام بگذارند. هم می‌دانند مسأله فلسطین متضمن عدم پذیرش و طرد همجاتبه اسرائیل و نقش مخرب آن در منطقه است. البته ممکن است نیروهای ضدانقلابی درصدد برآیند تا با احساسات مردمی مقابله کنند که به نوبه خود منازعاتی بی‌وقفه و درگیری‌هایی مستمر به دنبال خواهد داشت؛ اما اکنون که روحیه انقلابی، تخیل مردم عرب را به تسخیر خود درآورده است، سیاست دولت‌های عرب نیز به ناچار به سیای گذشته استمرار نخواهد یافت.

مارک لوین: به نظر شما، خیزش ناگهانی جنبش اع